وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۲۹ چهارشنبه ۲۴ جدی ۱۳۸۲ ۲۲ ذوالقعده ۱٤۲٤ - 14 January 2004

سرمقاله

نوي اساسي قانون او دافغانستان نوي ټولنه

۲مخ

چند "تعبیر" وچند "تصویر"

ص۴

استاد ربانی در مصاحبه با بی بی سی

ما باید در آینده بیشتر به مردم و پارلمان متکی شویم

- حضور مردم در تصمیم گیری های سیاسی از طریق پارلمان مشکل کشا ست
- نظام ریاستی در بسیاری کشورها ناکام بوده وبه دیکتاتوری تبدیل شده
- ما طرفدار ساختن اردوی ملی، جمع کردن سلاح واستحکام امنیت هستیم



۱۸جدی ۱۳۸۲

بی.بی.سی: محترم استاد ربانی، لطف کرده بگویید که قانون جدید اساسی افغانستان دارای چه مزیت ها وخوبی هایی است؟

استاد: البته هرقانون از خود مزایا وکمبودی هایی دارد هیچ قانونی را در دنیا نمی توانیم بگوییم، وقتی که تصویب می شود همه خوبی ها را در برداشته ونواقصی نمی داشته باشد. خود تصویب قانون اساسی ولو خلایی هم داشته باشد یک دست آورد ویک کار مثبت است ولی ما در ارتباط به نظام، نظام پارلمانی را برای شرایط فعلی درکشورمان ترجیح می دادیم.

بی.بی.سی: عمدتاً خوبی های قانون در چه است؟

استاد: در این قانون یک سلسله نقاط مثبت وجود دارد که هرچند به ارتباط نظام ریاستی است، اما صلاحیت پارلمان هم تاجایی متوازن است. وهمین صلاحیت های داده شده به پارلمان یک گام بس مهم است ودیگر این که ما به سوی مردم سالاری می رویم. مهم است باید در خصوص مردم سالاری، تفکیک قوا وتعبیر دموکراسی گام های عملی برداشته شود. ص۳

سفر نخست وزیر پاکستان به کابل

باب تازه یی از روابط یا تکیه بر مناسبات کهنه

ص۲



استاد در مراسم توزیع اسنادفراغت فارغان، فاکولتهٔ شرعیات:

محصلان این فاکولته مسؤولیت هایی را در عرصه های حقوقی، فرهنگی و قانونی به عهده داشته اند

اسناد فراغت چهل وهفتمین دور فارغان فاکولتهٔ شرعیات پوهنتون کابل طی مراسمی به ایشان توزیع شد، در آغاز این محفل آیاتی از کلام الله مجید قرائت گردید وبه تعقیب آن پوهاند عبدالعزیز رئیس آن فاکولته، پوهاند نعمت الله شهرانی، غلام محی الدین«دریز» معین تدریسی وزارت تحصیلات عالی وقاضی محمد امین وقاد بالنوبه صحبت نمودند.

محترم استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت نیز در این همایش بیانی پرمحتوا ایراد فرموده و در قسمتی از آن گفتند:

بدون شک در تحولات اجتماعی وسیاسی ملت ها مراکز تربیتی وعلمی نقشی بلند ومهم ایفا می نمایند. در کشور ما، افغانستان عزیز هم در تحولات سیاسی واجتماعی نقش مراکز تعلیمی کاملاً برجسته بوده است، دانشگاه کابل در ادوار گذشته وامروز نقش اساسی خویش را در تحولات، داشته وبه طور مشخص فاکولتهٔ شرعیات در این عرصه پیشگام بوده است، ومحصلان این فاکولته نیز اساسی ترین مسؤولیت ها را در عرصه های حقوقی، فرهنگی وقانونی به عهده داشته اند.

استاد در قسمتی دیگر از سخنانش علاوه کرد که: فاکولتهٔ شرعیات زمانی پا به عرصهٔ ظهور نهاد که یک سلسله هیاهو وغوغا در جامعهٔ ما به راه افتاده بود که شاید دنبالهٔ آن تاهنوز ص۵

عبدالحفیظ منصور نمایندهٔ شهر کابل در لویه جرگه:

موضعگیری و اندیشه های برخی از رهبران در لویه جرگه در میان نمایندگان موج ایجاد می کرد

عبدالحفیظ منصور نمایندهٔ شهر کابل در لویه جرگه روز یکشنبه با رادیو بی.بی.سی انجام داده است به خاطری که این مصاحبه نکاتی تازه در پیرامون مسائل وقضایای کشور دارد فشردهٔ آن به نشر می رسد.



آقای منصور در جواب به پرسشی که نظرتان در بارهٔ قانون اساسی چیست؟ گفت:

«قانون اساسی جدید بی سابقه می باشد وبرای اولین بار هویت اقوام افغانستان تثبیت می گردد و از آنها نام برده می شود برای اولین بار فقه جعفری رسمیت پیدا می نماید، تمام زبان ها در مناطق خود بعد از زبان پشتو ودری لسان سوم شناخته می شود، کمیسیون نظارت برقانون اساسی ایجاد می شود، رئیس دولت در مقابل پارلمان مسؤول شناخته می شود، رئیس دولت تنها برای وزرا نه بلکه برای رؤسای بزرگ نیز رأی تأیید پارلمان را می گیرد وبانک مرکزی مجبور است با کمیسیون مؤظف اقتصادی از سوی پارلمان در تفاهم باشد، این نقاط اساسی است که در سایر قوانین وجود نداشته.

آقای منصور به جواب این سوال که باوجودی که شصت در صد خواسته های ص۷

انتخابات پارلمانی آیندهٔ ایران بحرانی تازه ایجاد کرد

باسلب صلاحیت بیش از دوهزار کاندیدانی جناح اصلاح طلب از سوی شورای نگهبان یکبار دیگر جمهوری اسلامی ایران بایک بحران جدید مواجه شده است.

شورای پرقدرت نگهبان اخیراً دوهزار کاندیدا برای پارلمان آن کشور را به شمول علی رضا خاتمی برادر سید محمدخاتمی رئیس جمهور وهشتاد تن از اعضای کنونی مجلس شورای اسلامی(پارلمان) خلع صلاحیت نموده وگفته است ایشان نمی توانند در انتخابات پارلمانی که ماه آینده برگزار می گردد رقابت نمایند. در اعتراض به این تصمیم، هشتاد تن از اعضای پارلمان که سلب صلاحیت شده اند دست به اعتصاب زدند واز پارلمان خارج شدند. همچنان وزارت داخله طی صدور اعلامیه یی حرکت شورای نگهبان را غیر قانونی خوانده واعلان نموده است ص۸

اساسي قانون او اسلامي ټولنه

۲مخ

دوسه گپ در بارهٔ نقد ادبی

ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

نوي اساسي قانون او دافغانستان نوي ټولنه

داساسي قانون دلويي جرګې استازيو دتفاهم له لارې اساسي قانون تصويب کړ، پرته له دې چې اکثريت او اقليت په کې وي چې دا مساله دهيوادوالو دسياسي ځيرکي، پر يو بل اطمينان او دژورې ملي او ديني ورور ګلوي احساس رابښيې:

که په رښتيا دلويي جرګې په بهير کې لاسوهني نه واي او هيوادوال په خپله خوښه پريښودل شوي واي، نو خپلمنځي ستونزې يې په خپله اواره ولې.

لويي جرګې 22 ورځې دوام وکړ، په دې ترځ کې استازيو يو بل ته غوږ کيښود، پر زياتو اساسي مسايلو يې دبشپړ ملي تفاهم پربنياد داسې اساسي قانون تصويب کړ چې په سيمه کې ساري نه لري او دافغانستان له نورو تيرو شويو اساسي قوانينو سره اصلاً مقايسه کيداي نه شي. او پردې علاوه دغه تيره لويه جرګه دنورو جرګو غوندې هم نه وه. بلکې داسې خصوصيات يې لرل چې بايد په راتلونکي کې ورباندې رڼا واچول شي او د واقعيت له مخې په دې شرايطو کې بې مثله جرګه وه.

سره له دې چې يوغټ شمير استازيو يو لړ مهم ملاحظات درلودل چې ورباندې دلويي جرګې منابعو هم اقرار کړې وو، خو بياهم دملي وحدت ساتلو او هيواد له بحران څخه دايستلو لپاره، اساسي قانون تصويب کړ. دا قانون به دنوي افغانستان جوړولو لپاره اساسي کړنلاره او منشور وي، دسوکاله او پرځان متکي افغانستان جوړولو لپاره به مقدمه وي.

اوس نو دجمعيت اسلامي افغانستان هيله داده، چې ددې قانون دعملي کولو لپاره په پوره اخلاص او متانت پرکار لاسې پورې کړو چې دا دويمه مرحله تر لومړي ډيره مهمه ده، جمعيت اسلامي افغانستان لکه څنګه چې دخپل سياسي ژوند په مختلفو پړاوونو کې توپاني بيړې د ژغورني ساحل ته ايستلي اوس هم خپل هلو ځلو ته دوام ورکوي او يوځل بيا داثابتوي چې جمعيت اسلامي افغانستان ديو ستر او غښتلي سياسي سازمان په توګه دوطن دبيا جوړني په پړاوکې خپله ونډه تمثيلوي.

جمعيت اسلامي افغانستان غواړي چې دنوي اساسي قانون په رڼا کې دسياسي مبارزو په ډګر کې خپلو سوله ييزو هلو ځلو ته دام ورکوي او تل به دخپلو نشراتي خپرونو له لارې په سالمو نيوکو او اصلاحي پيشنهادونو چارې پرمخ بوزي او په محض ددې چې مناسبې لارې چارې برابره شي دخپلو سالمو غوښتنو، ملاحظاتو او اصلاحاتو لپاره به فعاليت وکړي

سفر نخست وزیر پاکستان به کابل

باب تازه یی از روابط یا تکیه بر مناسبات کهنه

ابوبکر سبزوار

در هفتهٔ جاری سفر میر ظفرالله خان جمالی نخست وزیر پاکستان در رأس یک هیأت بلند پایهٔ پاکستان به کابل بار دیگر اذهان را به سوی روابط میان افغانستان وپاکستان جلب کرد.

هرچند مسافرت مقامات افغانی وپاکستانی به کشورهای یکدیگر تازگی ندارد وهربار در جریان چنین مسافرت ها سخنانی امیدوار کننده نیز رد وبدل می شود اما در روابط میان دو کشور تغییری قابل توجه به ملاحظه نمی رسد.

آنچه که برای مردم افغانستان بسیار مهم و در خور توجه است مسألهٔ امنیت است. وقتی که درکشور امنیت نباشد نه بازگشت مهاجران ممکن خواهد شد ونه بازسازی می تواند با اطمینان لازم به پیش برود. واگر از حق نگذریم بخش اعظم این ناامنی ها در افغانستان ریشه در پاکستان دارد.

البته مقامات پاکستان نیز یک سره منکر این نیستند که در افغانستان بخش بزرگی از نا امنی ها ناشی از اقدامات شرپسندانی است که به گونه یی از پاکستان به افغانستان نفوذ می کنند ولی در این مورد موجودیت آزادی در مناطق قبایلی را عامل عدم کنترول دولت مرکزی پاکستان براقدامات تروریستی علیه افغانستان عنوان می نمایند. در هر سفر مقامات افغانستان به پاکستان ویا دولتمردان پاکستانی به افغانستان این شکوه ها از جانب مقامات افغانستان تکرار می شود ودر مقابل پاکستانی ها هم وعدهٔ همکاری وجلو گیری از اقدامات تروریستی را می دهند.

در این سفر میر ظفر الله خان جمالی به کابل باردیگر مسألهٔ ناامنی صادر شده از پاکستان به افغانستان مورد بحث مقامات دولتی دوکشور قرار گرفت وبار دیگر جانب پاکستانی به تعهد خود مبنی برمبارزه با تروریسم تأکید داشت. این در حالی است که در طول چند هفتهٔ گذشته افغانستان شاهد چندین واقعهٔ دلخراش تروریستی بود که به کشته ومجروح شدن جمع کثیری از جمله کودکان وشهروندان عادی منجر گردید. تلاش هایی که در دوران لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی برای ایجاد نا امنی و وحشت توسط گروه های تروریست در کابل صورت گرفت نیز تلفات جانی به همراه داشت.

بعضی ها به این باور اند که دلیل عدم علاقه مندی پاکستان به ایجاد ثبات در

> **بخش بزرگی از نا امنی ها ناشی از اقدامات شرپسندانی است که به گونه یی از پاکستان به افغانستان نفوذ می کنند**

افغانستان، به رابطهٔ نزدیک میان کابل ودهلی رابطه می گیرد. اسلام آباد از این نزدیکی روابط میان دو کشورخورسند نیست ومی خواهد از طریق دامن زدن به ناامنی در افغانستان، از دولت افغانستان امتیاز بگیرد دولت افغانستان بارها اعلام نموده که دوستی اش باهیچ کشوری به معنای دشمنی باکشور دیگری نیست. هرکشوری درجهان این حق را دارد که باتمام کشورهای دیگر روابط دوستانه وصلح آمیز داشته باشد. وبرای کشوری چون افغانستان که پس از یک دورهٔ طولانی جنگ، سخت به صلح وبازسازی نیازمند است، چنین ضرورتی بسیار برجسته تر است.

سفیر یکی از کشورهای عربی در کابل به یکی از مقامات عالی رتبهٔ دولت افغانستان می گفت: من تعجب می کنم که چرا پاکستان به روابط میان شما وهندوستان به نظر شک می نگرد در حالی که در محفل ومهمانی در کابل که افراد کوردپلوماتیک در آن شرکت دارند، از آغاز تا پایان محفل سفرای هندوستان وپاکستان لحظه یی از هم جدا نمی شوند، تو گویی دوستانی قدیمی هستند که پس از سالها به دیدار همدیگر نایل شده اند!

ما امیدواریم که سفر اخیر نخست وزیر پاکستان به کابل باب نوینی را در روابط میان دو کشور بگشاید وموجب تقویت بیشتر روابط میان دوکشور همسایه گردد وهرنوع سوء ظن در روابط میان دوطرف را از میان بردارد. پاکستان واقعاً به این نتیجه برسد که روابط دولت افغانستان باکشورهای دیگر به معنی دشمنی با پاکستان نیست واگر چنین سوء تفاهمی هم تاکنون موجود بوده است، اکنون برطرف گردد.

راستی این دو کشور برادر به هیچ گونه یی نمی توانند از یاری ودوستی همدیگر بی نیاز شوند، این امر را افزون به منافع متقابل دوکشور پیشینه های تاریخی فرهنگی یگانه حتمی تر می سازد. برای وارد شدن این خواست انسانی مردمان این دو کشور از آرزو به واقعیت، بردولتمردان هر دو جانب است که در شیوه های کهن سیاست خویش باز اندیشی کنند وبا در نظر داشتن پیشینه هایی طولانی، بسیار بایسته به نظر می آید که دولتمردان کشور پاکستان از سراخلاص و دوستی در این عرصه پیش قدم شوند.

اساسي قانون او اسلامي ټولنه

پامير

دهرات والي ښاغلي اسماعيل خان سره له دې چې داساسي قانون د تصويب په لويه جرګه کې ورته بلنه نه وه ورکړې شوې او له هغه سره توپيري چلند شوی وء خو دنوي اساسي قانون دتصويب هرکلی ئې کړی او ويلي ئې دي: "اوس چې په اساسي قانون کې اسلامي جمهوريت ومنل شو بايد هڅه وشي چې ټولنه هم اسلامي شي".

موږ ددغه مجاهد شخصيت ددغه نظر په تاييد هيله لرو چې زموږ دهيواد ځوانان او پيغلې داسلامي موازينو په رڼا کې خپل راتلونکی ژوند تنظيم کړي داسې نه چې له قانوني ازاديو څخه ناوړه استفاده وکړي.

زموږ ځوانان بايد دخپل ملي



فرهنګ دارزښتونو او ښيګڼو په رڼا کې خپل ځان عيار کړي او دخپلې ټولنې دذهني - عيني شرايطو په چوکاټ کې وده او تکامل وکړي نه دتقليدي او پرديو واردوشويو دودونو تر سيورې لاندې.

موږ هيله من يوو چې دنوي اساسي قانون په رڼا کې به دهرډول فساد مخنيوی وشي او زموږ نوی نسل ته به داسې لارې چارې برابرې شي چې له هغونه په استفادې سره ځوانان خپله روښانه لاره پيدا کړي او له هر ډول اخلاقي فسادونو سره دمبارزې روحيه په کې پياوړې او دهيواد له لوړو کتو سره دميني احساس په کې غښتلی وکړي موږ نه غواړو چې زموږ نوی نسل دي.

الکولي مواد استعمال کړي. موږ نه غواړو چې ددوی داخلاقي انحرافاتو دترويج له پاره دې دوی دمصنوعي سپوږمکيو او کيبلونو له لارې داسې فلمونه ووينې چې هغه زموږ ددغو ځوانانو د بې لارې او اخلاقي کمزورۍ سبب شي.

۵مخ

ما باید در آینده بیشتر به مردم و پارلمان...

بی.بی.سی: کاستی دیگر قانون درچه است؟

استاد: مواردی وجود دارد که به تفصیل روی آن تبصره نمی کنم ولی به دومطلب اشاره می کنم:

۱- در مسألهٔ اقتصادی وبازار آزاد، گرچه اقتصاد بازار آزاد فعلاً به عنوان مطلبی است که تقریباً اکثر کشورها به همین طرف روان هستند ودر ذات خود خوبی هایی را دارد اما آیا این موضوع درهمه کشورها می تواند همان نتایج مثبت را بار آورد؟

من فکر می کنم که درکشورهای عقب مانده، نظام بازار آزاد پرابلم های اقتصادی را بسیار زیاد می کند، به اقتصاد ملی، به تجار ملی، به رشد وتحولات اقتصادی یک سلسله مشکلات را ایجاد می کند.

از این رو ما به این عقیده بودیم که دولت دارای سیاست اقتصادی مختلط باشد. در این قسمت باید توجه شود، زیرا ما دیدیم در دوران رئیس جمهور یلستین وقتی که اتحاد شوروی سقوط می کند واقتصاد بازار آزاد شروع می شود ملیاردها دالر یک دم از بین می رود.

وبه حدی وضع اقتصادی اتحاد شوروی متوفی خراب شد که اگر نظام بعدی (رئیس جمهور پوتین) یک سلسله اصلاحات را به میان نمی آورد این کشور به یک بحران شدید اقتصادی رو برو می شد کشورهای عقب مانده و کشورهای فقیر همیشه از این لحاظ که نمی توانند با شرکت های غول پیکر بین المللی رقابت نمایند همیش محتاج هستند لذا تا زمانی که دولت یک اندازه کنترول نداشته باشد آزاد گذاشتن همه مسائل اقتصادی پرابلم بار می آورد.

بی بی سی: به نظر شما چقدر خواست های شما در همین قانون تسجیل شده؟

استاد: نظر ما این بود که نظام باید پارلمانی باشد و به این عقیده هستیم که حضور مردم در تصمیم گیری های سیاسی از طریق پارلمان در کشورهای مثل افغانستان مشکل گشا است.

طوری که دیده شده نظام های ریاستی به جز از آمریکا وچند کشور بخصوص، در اکثر کشورها ناکام بوده و به شکل نظام های دیکتاتوری تبدیل شده است. در آمریکای لاتین، افریقا، کشورهای آسیای میانه، در شرق میانه و درجاهای دیگر نظام ریاستی به عنوان نظام های سرکوب گر و نظام هایی اند که به ارادهٔ ملت توجه نشده و پارلمان و احزاب سیاسی بیشتر نمادی بوده، قدرت به دست یک نفر و یک مجموعه می باشد.

بی.بی.سی: دیگر کدام خواست های شما در قانون تسجیل یافته است؟

استاد: این مسأله که ما توانستیم یک سلسله صلاحیت ها به پارلمان انتقال کند کار خوبی شده اما فکر می کنم که ما باید در آینده کوشش کنیم که بیشتر به مردم وپارلمان متکی شویم.

> **به هر اندازه که قانون مطابق به خواست مردم بوده باشد تطبیق قانون سهل وساده تر است**

بی.بی.سی: به نظر شما چقدر امکانات عملی شدن این قانون وجود دارد و راه تطبیق قانون درچه است؟

استاد: همیش در قسمت تطبیق قانون مسؤولیت متوجه دوطرف است یک قسمت مسؤولیت هایی هست که متوجه خود دولت ونظام ها است. نظام هایی اند که قانون را تصویب می کنند اما پیاده نمی کنند، مجریان قانون هستند که مسؤولیت عمده را به دوش دارند، دوم مردم هستند که درقسمت پیاده کردن قانون چقدر همکاری می کنند به هر اندازه که قانون مطابق به خواست مردم بوده باشد تطبیق قانون سهل وساده تر است. در شرایط فعلی به عقیدهٔ من یک سلسله مشکلات مردمی هم وجود دارد تا هنوز ما اردویی قدرتمند نداریم دستگاه امنیتی ما قدم به قدم به سوی تکامل پیش می رود ولی هنوز در مراحل ابتدایی اش است وهنوز هم یک سلسله بحران اعتماد در کشور وجود دارد، ونهادی که برای پیاده کردن قانون به شکل ملی آن کار کند وجود ندارد. واحزاب فعالیت شان درست محسوس نیست ونهادهای دیگر اجتماعی درکشورمان به صورت درست فعال نیستند. مطبوعات هست واین یک آغاز خوبی است اما تاهنوز به عنوان یک قوت نیرومند به میان نیامده است. بی سوادی در کشورمان است، فقر است مشکلات مداخلات خارجی که در گذشته ها بوده واثرات بد خود را داشته هنوز است. ومن فکر می کنم که ما در شرایط فعلی برای تطبیق قانون به تفاهم ملی وتفاهم دولت با مردم و مردم با دولت ومردم با یکدیگر ومشارکت جمعی نیاز داریم تا ما بتوانیم به سوی قانون مندی حرکت کنیم.

بی.بی.سی: به نظر شما موجودیت گروه های مسلح خودش عمدتاً ممانعت نیست برای تطبیق قانون؟

استاد: شکی نیست که گروه ها، افراد مسلح ودسته هایی تاهنوز به صورت پراگنده وجود دارند ومن فکر می کنم که آنها باید در یک اردو تنظیم شوند: زیرا پراگنده بودن سلاح می تواند پرابلم ایجاد کند. وما باید تلاش کنیم که درقسمت ساختن اردوی ملی سرعت بیشتر صورت گیرد تا سلاح ها در اردو جمع شود وجریان ها به صورت جریان های سیاسی، فرهنگی واجتماعی کار خود را به قوت پیش ببرند.

بی.بی.سی: شما در قسمت تنظیم خودتان تنظیم جمعیت اسلامی تا چه حدهمین مسأله را رعایت کردید وچقدر کوشیدید که تنظیم تان را سیاسی بسازید تانظامی؟

استاد: تنظیم ما یک تنظیم سیاسی بود، واست وبه حکم مجبوریت سلاح برداشته به خاطر دفاع از وطن ومردم. برخی قوماندان های ما اکنون قوماندان ما نیستند عضو جمعیت بودند وهستند وفعلاً عضو اردو هستند و در اُردو به عنوان جنرال اردو هستند. من یگان وقت تعجب می کردم که در مطبوعات بین المللی یگان کشمکش هایی که میان دو ارگان اردوی افغانستان رخ می داد اینها را گاهی به جمعیت وگاهی به یک گروه دیگر منسوب می ساختند، در حالی که اینها اصلاً کشمکش درمیان دو ارگان دولت بوده، اگر دو وزیر باهم کشمکش بکنند نمی توان گفت که این وزیران مربوط به فلان حزب وفلان ارگان است به همین شکل اگر یک جنرال ویک قوماندان در یک جا باهم درگیری داشته باشند این به این معنی نیست که این مربوط به یک حزب به خصوص است این پرابلم خود نظام است، پرابلم خود دولت است که دولت تا چه اندازه کنترول خود را بالای اراکین خود می داشته باشد اما حزب جمعیت حزب سیاسی بوده وفعالیت های مان سیاسی است وما طرفدار جدی، ساختن یک اردوی ملی، جمع کردن سلاح و استحکام امنیت هستیم، به یقین که اگر ما اردوی ملی نسازیم وسلاح جمع نشود در کشور استحکام امنیت به زودی به میان نمی آید به این اساس حزب ما حزب سیاسی بود و است و خواهد بود.

بی بی سی: پس به نظر شما این قوماندانان که درگوشه و کنار و اطراف افغانستان بعضاً دست به سلاح می برند و حتی درگیر می شوند مانند مسألهٔ استاد عطا، شما آن ها را از خود نمی دانید؟

استاد: این قوماندانها ، قوماندانان بسیار برجستهٔ جمعیت بودند و فعلاً آن ها جنرالان دولت اند این مسأله به جمعیت مربوط نیست. فعلاً مسأله به خود دولت ارتباط دارد وقتی که اعضای یک تنظیم دراردوی ملی به عنوان یک قوماندان مسؤولیت را انجام می دهد آن مسؤولیت مربوط به خوددولت است. نا گفته نماند که به فرمان قوماندان عطا کشمکش صورت نمی گیرد. گاهی می شود که برخی افرادی نظر به خواسته های خود شان در گیر می شوند که این پرابلم ها را باید خود دولت حل کند پرابلم ها رانباید به احزاب منسوب بسازند.

بی بی سی: قرار است تا شش ماه دیگر انتخابات

> **من فکر می کنم که غیر از یک تعداد افراد استخدام شده علیه جهاد و مجاهدین ومردم افغانستان، دیگر ملت از احزاب جهادی واز احزاب ملی خود حمایت می کنند.**

ریاست جمهوری در افغانستان برگزار شود شما خود را کاندید می کنید و قراری که، اطلاع داریم تعداد زیادی از مجاهدین شما را به حیث کاندید خود معرفی کردند؟

استاد: ما در هر مسأله با مشورهٔ دوستان تصمیم می گیریم. هر وقتی کاری را به نفع ملت ومردم خود تشخیص کنیم مانند زمانی که در دفاع از کشور خود آمادهٔ هر نوع فعالیت سیاسی و دفاعی بودیم، عمل نموده و تصمیم خود را نهایی می کنیم.

بی بی سی: اگر شما در رأس دولت قرار گیرید نفع ملت در چه است؟

استاد: تنظیم ما در گذشته زمانی که از این مردم دفاع می کرد دیگران در صحنه نبودند. ده ها هزار تن ما در راه آزادی، استقلال و دفاع از تاریخ و فرهنگ کشور شان خون خود را و همه چیز خود را قربان کردند.

لذا حزبی که آماده باشد که همه چیز خود را فدای این ملت بسازد آن حزب یقیناً دل سوز ترین ومستحق ترین گروهی خواهد بود که بتواند در سطح رهبری این ملت قرار داشته باشد.

بی بی سی: اماآکنون که دیده می شود مردم تشنهٔ صلح و آرامی هستند و تشنهٔ این اند که یک زندگی آرام داشته باشند و از تنظیم ها و کسانی که مسلح بودند وکسانی که زندگی شان را در طی سال ها خراب ساختند به دور باشند شما در این رابطه چه می گویید؟

استاد: من فکر می کنم این تبلیغات اغوا گر انهٔ عناصر منحرف است، همان جهت ها و همان گروه هایی که می خواستند جنگ را در کشور تحمیل نمایند این طور حرف های هرزه و اغوا گرانه را می زنند. ملت افغانستان می داند که آن جنگ ها، جنگ های تحمیلی بود و احزابی که در دفاع از آن ها خون ریختاند. و به خاطر صلح، به خاطر امنیت و به خاطر آزادی این ملت کار می کردند ملت از آن ها دور نیست، بلکه دست های بسیار آلوده از بیرون بود که در جنایت ها سهم داشتند آن ها هستند که نمی خواهند عناصر ملی و احزاب ملی در سطح رهبری ملت باشد.

بی بی سی: اگر شما خود را کاندید کنید چقدر خود را موفق احساس می کنید؟

استاد: من فکر می کنم که غیر از یک تعداد افراد استخدام شده علیه جهاد و مجاهدین ومردم افغانستان، دیگر ملت از احزاب جهادی واز احزاب ملی خود حمایت می کنند. ص۵

دو غزل از دکتور عبدالسمیع حامد

تامعبد خاموشی

یک مرغک زندانی یک برگ رها مانده
از نسل بهارینه چیزی که به جا مانده
اندیشهٔ سبزینه در مغز چمن مرده
برجمجمهٔ جنگل تا صاعقه پا مانده
دربارهٔ کوکبهایکه نقطه نمی داند
از شام چه می پرسی خورشید کجا مانده؟
چون لوحهٔ تاریکی برشانهٔ گورستان
برمرقد این خانه دروازه به جا مانده
از معبر مدهوشی تا معبد خاموشی
فریاد فراموشی در خاطره ها مانده
گویند بهار آید در«شهر مزار» اما
یک دسته گل پرپر در«دست خدا» مانده

●●●

باژگوندشت کبود

تیره گی چادر زده برباژ گوندشت کبود
کرده بر سر تکدرخت آتشین دستار دود
یخزده- مانند نعش مرمرین آینه--
مانده بردوش صبور سنگها تابوت رود
از نمود سرخ گلپوشان نبینی یک نماد
از نموی سبز بنجوشان نیابی یک نمود
پادشاه ترس باتگمشت سنگین سکوت
عمر خود کوبیده بر دروازهٔ گفت وشنود
کوله بار آشیان هرجا که می خواهی ببر
پیش توفان مفت باشد قصهٔ بود ونبود
می توانی بود اما نی پرستو نی عقاب
می توانی خواند اما نی شکایت نی سرود

بوف کور

لطیف ناظمی

عقاب زخمی آن قلهٔ غرور منم
شکسته بالی از آن دره های دور منم
چه سالهاست که برخاک دیگران ایوای
فتاده قطره یی زان ساغر بلور منم
گذشتم از خط سبز عبور کوچهٔ خویش
چه بی نصیب دیگر زان خط عبور منم
درون کورهٔ غربت به من چه رشک بری
که عمرهاست چنان هیمهٔ تنور منم
اگر حکایت سنگ صبور می دانی
بیا ببین که همان سنگ و آن صبور منم
نشته ام سر ایوان خاطرات قدیم
چه بغض کرده تو گویی که بوف کور منم
به من مخند که از ژرفنای ظلمت شب
در انتظار سحر در خیال نور منم

زیبایی های شاعرانه در شعر دکتر عبدالسمیع حامد

داغ ترین برگ های شعر که از خونابهٔ ملت من در سالیان پسین رنگ یافته است و فریاد خونینی در حیطهٔ گسترده این "دوزخ" مشهود بوده اند، همانا برگ های اند که به عنوان شعر مقاومت یاد شده اند و این شعر ها است که به گونهٔ بارزی روز و روزگار کوله به دوشانی را باز تاب می دهد که جنازهٔ عزیز ترین کسان شان را در زیر باران گلوله های "سرخ" و"سیاه" از کوچه یی به پس کوچه یی کشیده اند تا در گودالی فرو نهند و بر آن ها کتیبهٔ ازیأس بنا نهند و زندگان را به پاسبانی آرزوهای بر باد رفته شان فرا خوانند.

شعر مقاومت باز تاب همان فریاد خشم آگین ولی معصومانهٔ ملت و مردمی است که دژخیمان نا پاک آن را در بیغوله های زندگی برجلب هوس های خویش مصلوب کردند تا پژواکش آسمان خدا را پر نکند و به گوش های شنوایی نرسد که عاملان قتل و جنایت را نفرین و بر دامان آن ها لکه های سرخ خون را نشانی می کنند. سالیان درازی بر ما گذشت که در آن در آتش زاری تفتان و سوزان ملتی پا برهنه و بی هیچ چیز فرزندان شان را قربانی کردند تا با خون آن ها دامان شب را بیالایند و بر آن مهر تنگ و نفرت را ماندگار سازند و شب پرستان را بنمایانند که سر انجام دفترچهٔ شوم جنایت و فاجعهٔ شان را نقطهٔ پایانی است ولی کتاب محاکمهٔ مردم در برابر نانی همچنان کشاده می ماند تا داد رس فریاد معصومانه و مظلومانهٔ ملتم را بشنود جاودانه سازد تا دیگر "شلاق" و "تفنگ" و "تازیانه" بر شانه استوار ولی محجور مردمم سفیر مرگ را سر ندهد.

دکتر عبدالسمیع حامد از آن آزاد مردانی است که با پشوارهٔ رسالت و مقاومت کوره راه های پرخم و پیچ روزگار را در نوردیده و شعرش فریاد استغاثه آمیز ولی پر از خشم ملتش هست که بر سینهٔ هرچه پستی، زشتی، جانی و قاتل و جنایت آفرین دست رد زده و آن را محکوم کرده است.

او از شمار معدود شاعران روزگار من است که اکنون در صدر جدول سراینده گان شعر فارسی-دری در کشور مان قرار دارند و جان مایهٔ شعرش دفاعیهٔ مردمی است که سه دهه است در دوزخی به نام سرزمینش جان می کنند، می میرند ولی از مقاومت وایستادگی باز نمی ایستند. دفتر «بگذار شب همیشه بماند!" او را می گشاییم و در آن پاره یی از تعابیرو تصویر هایی را می آوریم که عمق و پهنایی در خور توجه دارند.

سرزمین من، خاکتوده یی است که در آن صبح ها عمر چندانی نداشته اند وبلا فاصله پس از طلوع، پنجره های سحر آغازگر غروبی بوده اند که شبهای تیرهٔ ظلمانی وخونین را در قبال داشته است:

درگذری که خانه ها، راهنشین آتشند
غرق غروب می کند پنجرهٔ سحر مرا

مردم در به در وآوارهٔ افغانستان گویا با سرنوشت بد وتلخ پیمان بسته اند وگویی این پرشکسته گان در زیر هیولای طوفان همچنان خواهند ماند:

مثل مشهور که دستهٔ تبر از ماست:

دست دارد دست من در دستبرد خانهٔ ما
باکدامین پاسبان این ماجرا گفتم بگویم

وقتی در ستمی که بر او می رود مطلوب می ماند وبرگور گلهای سرزمینش صبور سوگمند می نشیند:

مصلوب چاربند ستم سو دخویشتن
برگور تشنهٔ گل مریم نشسته ام
بردوش بی پناهی خود سرنهاده ام
باهیچ کس به خانهٔ ماتم نشسته ام

چند "تعبیر" وچند "تصویر"

کوه نوری

گنجشک پرشکسته در زیر پای توفان
بی آشیان بماند گفتم، نگفته بودم؟

در تداوم شب های تیره، همه خفته اند وهیچ روحی را بیدار نمی بینند از آن رو حیف می داند تا ستاره یی که در اینجا به نظر من خود شاعر است طلایه دار کاروان خفته باشد:

جرم است ای ستاره! امشب طلایه بودن
بیدار نیست روحی خوبست سایه بودن

گوشی برای شنیدن فریاد مظلومانهٔ ما نیست از آنرو جای گلایه هم نیست:

دیگر نمانده گوشی جز گوشوار شیطان
آیا چه سود دارد غرق گلایه بودن

زندگی همان سقفی است که در زیرپای شاعر اینک تکیده است و او برنعش تکیدهٔ آن ایستاده است همچون«پایه» در حالی که نمی داند فرجام پایه بودن در این تکیده زار چه خواهد بود:

نعش تکیدهٔ سقف افتیده زیر پاها
دیگرچه بود خواهد، پایان«پایه بودن»؟

در روزگاری که همه چیز به نرخ روزگار سیاست زده است پنجرهٔ امیدی برای تلألوی ضیا وپرتو نیست. شب تداوم دارد:

رخشی که آرزوی مرا شیهه می کند
گمگشته در جزیرهٔ شب بی سوار بود
نی ماه در کشود، نه خورشید پر کشید
بیهوده ذهن پنجره امیدوار بود
«در شوره زار لاله ودر باغ خس» دمید
یاران این زمانه سیساستمدار بود

در زمانه یی که بهار و تموزی ندارد وزندگی زمهریر طولانی است:

برای مزرعهٔ پایخست خاکستر
سرود یخزدهٔ جویبار بیهوده است

در تاراج سر مینش او حتی«دست خودش» را دخیل می داند به مصداق آن مثل مشهور

سرزمینش که در آتش می سوزد باشب تیره وظلمانی به تگدرختی می ماند که آتشین است وبرسر دستار دود دارد:

تیره گی چادر زده برباژگوندشت کبود
کرده برسر تکدرخت آتشین دستار دود

آدمهای سرزمینش(سنگهای صبور) یخزده وسر زده تابوت زندگی را بردوش می کشند:

یخزده - مانند نعش مرمرین آینه
مانده بردوش صبورسنگها تابوت رود

نعش مرمرین آینه می تواند نمادی از آرزو وآمال ما باشد، همانگونه که «رود» جریان زندگی ما را نیز می نمایاند. وقتی صاعقهٔ حوادث برجنگل سبزحیات سرزمینش همه چیز را نابود می کند می گوید:

اندیشهٔ سبزینه در مغز چمن مرده
برجمجمهٔ جنگل تا صاعقه پامانده

مردی با ابزار مقاومت ونبرد بر روی موجهای حوادث:

باطلوع یک تبرزین طلا برزین موج
باز در دریا گذاران رفت وآمد می کند

وقتی فراموشش می کنند و رهایش می کنند:

یک گام به روی نعش یاران ماندند
یک گام به پشت سوگواران ماندند
از گردنهٔ تنگ گذشته ومرا
گمنام به زیر تیر باران ماندند.

وقتی فاجعهٔ جنگ هیولا وار از سوی هیولاها مادران را در سوگ فرزندان می نشاند:

مادران باچشمهای یخزده با چنگهای خویش
گور فرزندان خود را درغروب کشتگاه نوجوان کندند

وخواهران:

لاشهٔ آیینه پوش عفت خود را
مثل آوار غرور آبشار از کوه

در گریسنگ سکوت دره یی متروک افگندند.

ملت دریا

خالده فروغ

چرا از سجدهٔ بت روح آذر برنمی خیزد
چرا زین خوابهای غفلت آور برنمی خیزد
چرا از چشمهای پر فروغ ملت دریا
شب است وجلوهٔ بیدار گوهر بر نمی خیزد
زبس تشنه است اسماعیل دامانش درین وادی
نوا از بینوایی های هاجر برنمی خیزد
درین شهر تباهی کوچه ها تنها تر از ماه اند
خروش از سینهٔ زنجیر یک در برنمی خیزد
رموز پخته گی دریاب از روح سحرگاهی
زشام خام ذهن استاره آور برنمی خیزد
مکن اندیشه را پامال ساحلهای رام غرب
غزلهای روان از طبع خاور برنمی خیزد
بیاو خاک شو تا بشنوی گام حقیقی را
صدای عشق چون از سنگ مرمر برنمی خیزد

ما باید در آینده بیشتر به مردم و پارلمان ...

بی بی سی: تا جایی که دیده شد در لویه جرگه هر دو طرف ادعا می کردند که ما به خاطر به میان آمدن وحدت ملی و اعتماد ملی ازخواست های خود کنار رفتیم وگذشتیم به نظر شما تا چه حد وحدت ملی و اعتماد ملی، توانسته که تحکیم شود؟

استاد: البته مسألهٔ وحدت ملی و اعتماد ملی یک آرمان مقدس بود و است و ما به کار زیاد ضرورت داریم قسمی که گفتیم در دوران جنگهای تحمیلی تجاوزات خارجی و مداخلاتی مطرح بود که تا هنوز هم دوام دارد در این شرایط که ما به سوی صلح می رویم به وحدت ملی و مشارکت ملی ضرورت داریم برای ایجاد اختلاف در گذشته دست هایی بود که کار می کردند و هنوز هم هستند. در دوران لویه جرگه خواسته شد که جناح بندی های تحمیلی بار دیگر به میان بیاید که به لطف خداوند(ج) بار دیگر مردم و نماینده ها توانستند تا با هم جلو این چیز ها را بگیرند و البته این که وحدت ملی به عنوان یک خواست مقدس مردم به صورت کامل پیاده شود ضرورت است که به فعالیت های بیشتر و تلاش های دل سوزانه تر وصادقانه تر ضرورت دارد.

بی بی سی: در قانون اساسی تلفیق و یا ترکیب از اسلام ودموکراسی دیده می شود شما گفته بودید که دموکراسی نوع غربی است به نظر شما چطور تلفیق یافته می تواند این نوع سیستم؟

استاد: اصلاً تاهنوز به ارتباط سیستمی که در کشور پیشنهاد شده باشد که گفته می شود نوع غربی است یا شرقی کدام مطلبی نیست، تنها نام از دموکراسی برده شده و من به این عقیده هستم که اصول دموکراسی با ارزش های اسلامی تفاوت و تضاد بسیار ندارد اما یک سلسله خواستهای فرهنگی که در برخی کشورهای غیر از افغانستان که در آن جا نظام های دموکراسی مختلفی وجود دارد، با خواست های فرهنگی کشور ما تفاوت هایی دارد وحتی در خود کشور های غرب ویا شرق زمین نظام هایی که شبیه دموکراسی و امثال این ها پیاده می شود، در آن جا هم در قسمت تطبیق انواع مختلفی را می بینیم درهمه جا ما یک دموکراسی را

اصول کلی دموکراسی با ارزش های دینی ما مخالف نیست

نمی بینیم که به صورت همگون و مساوی ترتیب شود.

در ارتباط به دموکراسی گفتیم اصول کلی دموکراسی با ارزش های دینی ما مخالف نیست و به همین اساس است که زیاد مخالفتی نداشتیم ما همیش طرفدار این هستیم که باید ارزش های دینی، فرهنگی وتاریخی ما منحیث یک سلسله قضایایی که ملت افغانستان نمی تواند به سادگی آن ها را فراموش کند، مد نظر باشد.

بی بی سی: قراری که ما در لویه جرگه دیدیم شماری از اعضای حزب جمعیت اسلامی با هم همفکر و همنظر نیستند شما در این مورد چه می گویید؟

استاد: نظام پارلمانی تنها خواست اعضای جمعیت اسلامی نبود بلکه خواست قشر وسیعی از نماینده ها و گروه ها و روشنفکران و مردم مختلف افغانستان بود به

نظام پارلمانی تنها خواست اعضای جمعیت اسلامی نبود بلکه خواست قشر وسیعی از نماینده ها و گروه ها و روشنفکران و مردم مختلف افغانستان بود

ارتباط اختلافات برخی از وزیران خود شان در آنجا اختلافات نظر داشتند. کابینه فیصلهٔ به خصوص خود را داشت، اعضای کابینه، کسانی که به تنظیم ها مربوط بودند آن هاهم از خود دیدگاههای جدا جدا داشتند و مسألهٔ اختلاف نظر یک امر طبیعی است، انسان ها به صورت فکر های مختلف آفریده شدند وآزادی هم یک حق طبیعی انسان است، می شود که یک حزب در میانش جناح های مختلف دید های مختلف راجع به قضایا داشته باشد اما در کل کدام اختلافی اساسی وجود نداشت.

بی بی سی: شما چه وقت تصمیم دارید که تنظیم جمعیت اسلامی را به حیث یک حزب سیاسی در وزارت عدلیه ثبت نمایید؟

استاد: تنظیم جمعیت اسلامی افغانستان به محض این که ما به داخل کشور آمدیم به عنوان یک حزب سیاسی بوده و حزب سیاسی است در ارتباط وضع موجود پیشنهاداتی داریم بعد از مشوره با مسؤولان جمعیت وسایر دوستان تصمیم خواهیم گرفت.

بی بی سی: چه وقت خود را ثبت خواهید کردید؟

استاد: حزب، رسمی است.

بی بی سی: نظر به حرف هایی که قبلاً شما گفتید که شماری از اعضای جمعیت در کابینه بودند همان چیزی را که لازم دیدند، فیصله کردند پس دولت در تعدیل قانون نقش بسیار بزرگ داشته؟

استاد: شکی نیست. تصور من این است که دولت این حرف را پنهان نمی کرد علنی می گفت که ما از یک نظام ریاستی دفاع می کنیم. و دولت نظرش از آغاز هم مسألهٔ ریاستی بوده و در این شکی نیست و آن ها خواستند تا همین نظام پیاده شود.

بی بی سی: شما برای انتخابات چه کارهایی کردید آیا دست به کمپاین تبلیغاتی زدید و به کجا سفر کردید؟

استاد: البته تا هنوز ما کمپاین را شروع نکردیم سفرهایی به برخی ولایات جنوب وجنوب غرب وشمال داشتیم. و این سفرها یک امر طبیعی است که ما باید از آن عده اعضای جمعیت ویا برادران مجاهد و عناصری که در دوران جهاد و مقاومت و در سنگر های دفاع از کشورشان فدا کاری کردند خبری بگیریم. به همین اساس ما دید وادید هایی هم داشتیم و باید ادامه پیدا کند این سفرها به معنی کمپاین تبلیغاتی یا کمپاین حزبی نبوده اما یک ضرورت است.

اساسي قانون او اسلامي ټولنه ...

موږ هیله من یوو چې زموږ پیغلې دحجاب او نورو اسلامي موازینو په ژور درك سره ځان دعلم په ګاڼه سمبال کړي او دنورې نړې سره دساینس او تخنیك په برخه کې سیالي وکړي.

نن موږ وینو چې دنړې په ډېرو مترقي لویدیځو هیوادو لکه فرانسه او انګلستان کې هم زموږ مسلماني ښځې دحجاب له پاره مبارزه کوي او نه غواړي چې خپل اسلامي- افغاني ویاړن په پردیو هیوادو کې له لاسه ورکړي. نو زموږ هیله داده چې افغان دي، افغان او مسلمان وروزل شي زموږ هیله داده چې موږ خپل ویاړلي فرهنګ وساتو موږ خپل افغاني- اسلامي هویت وساتو خپل مثبت او منلي دودونه وساتو هسې نه چې دکارغه ټوګه رابانديي وشي خپل به هیر کړو او دنورو به یاد نه کړو. زموږ هیله داده نوي اساسي قانون چې زموږ داسلامي ټولنې داستازیو له هیلو سره سم تصویب او تدوین شو دهغه تفسیر او توجه په اسلامي طریقه وشي.

موږ به هیڅکله داسې لارې چارې ونه منو چې دهغې په وجهه زموږ معتقداتو او فرهنګي منلو ارزښتونو ته تاوان ورسیږي. نن چې زموږ اسلامي ټولنه دیوکل په توګه داساسي قانون تایید کوي دهغې هیله داده چې دغه قانون داسلامي - مذهبي اصولو په رڼا کې تعبیر او تفسیر شي او دا بیا داساسي قانون دڅارنې دکمیسیون دنده ده چې دغه قانون ته دافغانستان داسلامي ټولنې په زړه کې ځاي پیدا کړي، دهغه دعملي کولو لپاره لارې چارې برابرې کړي او چاته اجازه ورنه کړي چې دقانون مواد له خپلو ګټو سره سم تعبیر کړي او له اسلامي موازینو او احکامو سره ضدیت پیدا کړي.

محصلان این فاکولته مسؤولیت هایی را در ...

هم در بعضی اذهان تاریک واندیشه های منحرف وجود داشته باشد که آن عبارت از نقش دین در تحولات جامعه است، که آیا دین می تواند بحیث عامل نجات بخش جوامع انسانی در تحولات فرهنگی وعلمی وتکنولوژی نقش خود را در اصلاح سیاسی واجتماعی جوامع ادا بسازد ویا این که عقب ماندگی ها وتاریکی هایی که در جوامع وجود دارد به قضاوت برخی از جهال ریشه در دین دارد؟

در چنین شرایطی بود که فاکولتهٔ شرعیات روی صحنه می آید ویقیناً باشخصیت هایی بسیار ارجمند مثل جناب اشعری صاحب، که عضو کمیتهٔ قانون اساسی بودند وسایر استادان با ارزش که اینها نقش اساسی در ساختار جامعه و درتحول فکری وفرهنگی جامعه داشتند ونشان دادند که علمای دین قدرت این را دارند که جامعه را اداره کنند، جامعه را درست رهبری کنند وبتوانند از تمام دست آوردهای مثبت انسانی در هرجایی که است به صورت درست استقبال کنند و این حقیقت از طریق جوانان فاکولتهٔ شرعیات وفارغان این فاکولته در همه بخش ها نشان داده شده است، زمانی که جامعه وفکر وفرهنگ این جامعه مورد تجاوز قرار می گیرد. آیا چه کسانی هستند که به دفاع از استقلال دین وملت و کشور کمر می بندند. تحولات دودههٔ اخیر نشان داد که فارغان فاکولتهٔ شرعیات به نام پیش آهنگان نجات کشور عرض اندام می کنند ودر برابر تجاوز خارجی کمر می بندند ودر برابر فرهنگ های اغوا گر، راه اسلام را برای جامعه رهنمایی می کنند وبرای ساختار قانون اساسی و مدنی وسایر قوانین کشور کمر همت می بندند وبرای همگان نشان می دهند که اینها نمونه یی از عقب ماندگی نیستند بلکه الگویی از عناصر برجسته، درجامعه هستند که می توانند علم را با دین ودین را باجامعه وجامعهٔ افغانی را با دنیا طوری پیوند ببخشند که همه را مطمئن بسازد که دین باعلم، باتمدن، باجهان وجوامع مسلمان با جهان تضاد ندارد.

استاد در اخیر توصیه نمود:

محصلانی که فارغ می شوند وارد صحنهٔ جدید علمی می شوند، مسؤولیت ایشان بیشتر می گردد ومتوجه باشند که امروز کشور ما بعد از جنگ های تحمیلی وبعد از تحولات مختلفی که به میان آمده وارد یک مرحلهٔ جدید شده است، بار دیگر موجی از اندیشه ها وافکار در کشور ما مطرح است شما در رهبری آیندهٔ جامعه جایگاه خود را تعیین کنید. وجایگاه شما مبنی برصلاحیت های عقلی، فکری، ذهنی وسلوکی است به هر اندازه که صلاحیت کاری بیشتر داشته باشید به همان پیمانه خوبتر تمثیل بیشتر از اسلام، مسلک ومسؤولیت های خود می کنید. در شرایط فعلی در یک سلسله بگومگوها قرار داریم وکم کم گام به سوی مطبوعات آزاد ودموکراسی می گذاریم واین به ما وشما مربوط است که مطبوعات را چگونه به نفع مردم وبه خیر وفضیلت توجیه کنیم وآزادی های درست وسالم انسانی ودموکراسی را برمبنای اصول دین اسلام در جامعه تبلور دهیم.

گزارشگر : ملکیار

دوسه گپ در بارهٔ نقد ادبی

رهنور زریاب

یکی از کارنامه های شگفت - روژن یونسکو در جوانی - ظاهراً به یک شوخی می ماند- نکته یی ارجمند وبس مهم را، در زمینه های هنری - ادبی، روشن می تواند ساخت: او هنگامی که از پاریس به رومانیا برگشت؛ مقاله یی نوشت و در آن مقاله، سه تن از نویسندگان محبوب وپر آوازهٔ رومانیا را به ریشخند گرفت. پس از گذشت روزی چند، نبشتهٔ دیگری از او به چاپ رسید که در این نبشته، از همین سه نویسنده سخت تجلیل وتبجیل شده بود وآنان تاحد چهره های درخشان جهانی وادبیات ملی رومانیا، بلند برده شده بودند. دیری نگذشت که یونسکو، این هردو نبشتهٔ متناقض را، در یک دفتر - که نام«نی» = «نه» را داشت- چاپ کرد وبا این کارش، خواست نشان بدهد که یک منتقد می تواند، دربارهٔ پدیدهٔ یگانه یی، دوگونه دید ونگرش ناسازگار وناهماهنگ داشته باشد.(۱)

مقصود یونسکو از این کار حیرت انگیز، هرچه بوده باشد- بادر نظر داشت شیوه ها وشگردهای یونسکو- درجای خودش می تواند بررسی گردد؛ ولی این کار شگفت او، در عین حال، برای ما هوشیار باش واندرزی نیز می تواند بود تا نپنداریم که در باب یک اثر هنری - ادبی، سخن منتقد حرف آخر است وبس. وبازهم، نپنداریم که داوری نقدگر، از کورهٔ یک ارزشنمای اشتباه ناپذیر بیرون آمده است وزنگار لغزش وخطا در آن راه نمی تواند یافت.(۲)

کارنامهٔ یونسکو، در واقع، منتقد وفراورده هایش را، در قلمرو شک وبدگمانی می کشاند وبر پیشانی آن ها، نشانهٔ سوال وپرسش می گذارد- یک نشانهٔ بزرگ!

نقد هنری- ادبی را، از رهگذر سرشت وخمیره، درفرجامین تحلیل، گونه یی از داوری وابراز عقیده، در بارهٔ یک پدیدهٔ هنری- ادبی وتفسیر وتعبیری از همچو یک پدیده یی، می تواند به شمار آورد. این داوری واظهار عقیده، واین تفسیر وتعبیر، از هردیدگاهی که باشد، همانند بسا از داوری ها واظهار عقیده ها وتفسیرها وتعبیرهای دیگر در روند تاریخ، می توانند- احتمالاً- حاوی وحامل اشتباه ولغزش دردناک و ویرانگری هم باشند.

از این گونه اشتباهات ولغزش ها، در تاریخ هنر وادبیات جهان، بارها دیده شده است. در این جا- به گونهٔ مثال- همین بسنده خواهد بود به یاد آوریم که وقتی دست نویس نخستین جلد رمان سترگ«در جستجوی زمان از دست رفته»، اثر مارسل پروست، از سوی بنگاه انتشارات گالیمار، برای ارزیابی واظهار عقیده به اندره ژید سپرده شد، این خامه زن پر آوازهٔ آن روزگار، آن اثر شگفتی انگیز را، به شیوهٔ تحقیر آمیزی رد کرد. اندره ژید، پسانترها، از این کار خودش سخت پشیمان گشت وگفت که رد کردن این دست نویس، از جانگذار ترین مواد تأسف وپشیمانی های او در زنده گانیش بوده است وشرم دارد که چنین لغزشی از او سرزده است(۳) وبازهم به خاطر داریم که رُمان«موجی دیک» اثر هرمان ملویل، چه بی مهری هایی که از سوی نقد گران ندید(۴). از همین رو، شماری از هنر آفرینان، در بارهٔ نقد گران نظر خوشی ندارند و- حتا- باتحقیر به آنان می نگرند. پس شگفت نیست اگر گارستامارکز می گوید که نقد گران مثل کشیشانی پر طمطراق هستند. آنان چیزهایی را در کتاب ها پیدا می کنند که به دیدش تمایل دارند؛ نه چیزهایی را که قادر اند ببینند.

روی همرفته، می توان گفت که بسیاری از نو آوران زمینه های هنر وادبیات، با پرخاش ها وستیزه گری های ناقدان وهنرشناسان، روبه رو بوده اند. واما، درفرجام کار، دیده شده است که پرخاش ها وستیزه گری های ناقدان وهنرشناسان، در دالان های تاریک وگرد آلودهٔ تاریخ هنر وادبیات، گمگشته وسرگردان مانده اند و-غالباً- از یادها رفته اند. واما، آن اثر های تازه وبدیع، در شبستان های معطر ودلانگیز ادبیات وهنر جهانی راه یافته اند وگنجینهٔ آفریده های فرهنگی ومعنوی آدمیان را غنی تر ساخته اند(۵). از همین جاست که امروز نقد گران در باختر زمین- غالباً- از برخوردهای قاطع وجزمی با آثار ادبی- هنری پرهیز می کنند وبه داوری های بسیار برنده نمی پردازند.

در بررسی های کتاب(۶) که در بسیاری از روزنامه ها ظاهر می شوند، نگرش ها وپرداخت های ژرف وپخته یی را سراغ نمی توان کرد. این نبشته ها، روی همرفته، باگونه یی از ابهام وایهام وکلیه گرایی ها آمیخته اند. این بررسی ها را، در واقع، نوعی معرفی کتاب ونویسنده به خواننده گان، به شمار می توان آورد که- تقریباً همواره- در سازش وهمدستی بابنگاه های بزرگ وبا نفوذ نشر وچاپ کتاب نگاشته می شوند وحتا می شود گفت که، درحقیقت، گونه هایی از اعلان هستند. ونیز در این کار، شناخت ها وپیوندهای رنگارنگ آشکار ونهان، نقش مهم وتعیین کننده دارند. از همین رو، در این روزنامه ها، در گزینش کتاب هایی که بررسی می شوند، نیز اصول وارزشنماهای به خصوصی را نمی توان بازشناخت. واما، این بنگاه های بزرگ وبا نفوذ نشر وچاپ کتاب، خود پدیده های جالب وشگفتی هستند. محمود گودرزی در باب این بنگاه ها می نویسد که این بنگاه ها- در وابسته گی جدایی ناپذیرشان به سرمایه های کلان که استخوان بندی این نظام جهانشمول اند- بخشی از نظام حاکم به شمار می آیند وبرپایهٔ مثل معروف خودمان، چاقوهایی هستند که دسته های خودشان را نمی برند.(۷)

با این همه- چنان که دانشنامهٔ بریتانیا می گوید- هفته نامه ها روشی اندک دگرگون دارند. بدین معنی که هفته نامه ها در این زمینه، از شیوه های جدید تری کار می گیرند. هفته نامه هایی را هم در این میان می شناسیم- چون ضمیمهٔ تایم ادبی لندن وبررسی کتاب نیویارک- که به کارهای پیش پا افتاده ومردم پسند، اصلاً، نمی پردازند.(۸)

با این همه، اگر در جستجوی نقدهای روشنگرانه واندیشه برانگیز باشیم، باید به سراغ نشریه های تخصصی ودانشمدار برویم. روشن است که این نشریه ها، جز در حلقه ها ولایه های معین، خواننده وپذیرنده ندارند، به گونهٔ مثال، ماهنامهٔ«اروپا» را که در سال۱۹۲۳ به دست او من رولان بنیاد نهاده شده است، شاید یک در صد از آموزش دیده گان فرانسه هم نشاسند ونخوانند.

دانشنامهٔ بریتانیا به ما می گوید که این افلاتون بود که، بار نخست، به مسألهٔ نقد ادبی پرداخت. نظریات افلاتون در این زمینه، از دیدگاه عمومی او- که جهان ما را سایه یی از عالم برتر می داند- تأثیر برداشته بود ونیز، در آرمان شهر افلاتون، شاعر جایی نداشت واز این مدینه تبعید شده بود(۹).

یونان باستان را، بیگمان، می توان زادگاه وگهوارهٔ نقد ادبی به شمار آورد. نقد ادبی، در واقع، آن هنگامی زاده شد که اندیشه گر بزرگ وشگفتی زای جهان باستان، یعنی ارستو، کتاب نامداروارجمند«بوطیقا»ی خودش را نوشت.

«بوطیقا» کوششی بود بسیار باثمر تا اصول آفرینش ادبی را مشخص سازد وسرشت پدیده های ادبی را روشن کند وباز نماید. ارستو برای بسیاری از مقوله های هنر وادبیات، تعریف به دست داد. این کار او، هرچند برای هنر آفرینان محدودیت هایی به میان می آورد، ولی- در عین حال- شناخت آدمی را، در زمینه های هنر وادبیات، غنا می بخشید وپدیده های هنری- ادبی وچونی ها وچندی های آن ها را، در دایرهٔ روشن تشخص وتعین می ریخت ومفهوم می گردانید.

ادامه دارد

> **در گزینش کتاب هایی که بررسی می شوند، نیز اصول وارزشنماهای به خصوصی را نمی توان بازشناخت.**

> **نقد ادبی، در واقع، آن هنگامی زاده شد که اندیشه گر بزرگ وشگفتی زای جهان باستان، یعنی ارستو، کتاب نامدار وارجمند«بوطیقا»ی خودش را نوشت.**

رویکردها

۱- دیده شود: رهنورد زریاب، «گنگ خوابدیده»، انجمن نویسندگاه افغانستان، ص۵۲، کابل، ۱۳۶۷.

۲- بنده سال ها پیش، واژهٔ«ارزشنما» را در برابر مقولهٔ یونانیCritrion به کار بردم. واژه های«محک»، «معیار»، «میزان» و«مقیاس» نیز در این معنی به کار رفته اند، در همان سال ها، یعنی در دههٔ چهل هجری خورشیدی، واژهٔ«ساز آمیز» را نیز ساختم وبه جای موزیکال(Musical) که خیلی هم رواج داشت واکنون هم رواج دارد، گذاشتم. خداکند که در هر دو مورد اشتباه نکرده باشم وحق کس دیگری زیرپا نشده باشد. اگر کس دیگری، پیش از من، این واژه ها را به همین معانی، به کار برده باشد، پیشاپیش از او پوزش می خواهم وسخن خود را پس می گیرم.

۳- دیده شود: جلال ستاری،«از خوانده ها در بارهٔ پروست»، مجلهٔ بخارا، شمارهٔ۸، ص۶۸، تهران،۱۳۷۸.

۴- The new Encyclopaedia Britanica (Macropaedia), 1993Literature,The Art of.

۴- روشن است که نمی توان از این سخن ها چنین نتیجه گرفت که هر پدیدهٔ هنری- ادبی که باپرخاش وستیزهٔ نقدگران روبه روشد، ضرورتاً، اثری والا ماندگار وبا ارزش است. حاشا وکلا. بسا از پدیده ها، به حق وبه جا، با رد وانکار نقدگران روبه رو شده اند.

۵- Book Reviews

۶- محمود گودرزی،«فغان از سرنوشت تلخ افغانستان»، ماهنامهٔ«علم وجامعه»، شمارهٔ۲۱۱، الکسندریه، امریکا، ص۳۲.

۷- The New Encyclopaedia Britanica

۸- همان جا

احکام جزا در اسلام

برپا داشتن حد زنا

سیدناصر تقدسی

دکتر وهبه الزحیلی با استناد بر اقوال فقها درکتاب مستطاب "الفقه الاسلامی وأدلته" می نویسد: ..امام (فرمانروا) ویا نمایندهٔ وی حد را بر شخص زنا کننده نافذ وجاری می سازد. حد، اگر دره باشد. امام ویا نائب امام آن را بر پا می دارد. و اما اگر حد، رجم (سنگسار) بوده باشد، در قدم نخست باید شاهدان قضیه، به رجم زنا کار بپردازند. و اگر حد رجم به اقرار ثابت شده بود، در این حال باز هم امام (فرمان روا) بایستی رجم را آغاز نماید.

حالت کسی که حدزده می شود.

جمهور فقها را عقیده بر آن است که اگر زانی محصن، مرد باشد، به صورت ایستاده رجم کرده می شود، بدون آن که به چـزی بسته گردد ویا در حفری نهاده شود. البته فرقی نخواهد کرد که رجم به شهود ثابت شده باشد ویا به اقرار، چنان که رسول خدا وقتی که "ماعز" را سنگسار می کرد، نه او رادر حفر نهاد و نه به چیزی بسته اش کرد.

اما اگر زانی زن بوده باشد، به قول احناف، امام (فرمان روای) مسلمانان مخیر است که برای وی جایی را حفر می کند و یا خیر، اما حفر بهتر است.

وحد زانی غیر محصن که عبارت از صد دره است، بر مرد به طور ایستاده و بر زن به طور نشسته جاری می شود.

مکان زدن دره

در حد زانی غیر محصن، نباید تمام یک صد دره، بر یک عضو فرود آورده شود، چه این کار، منجر به اتلاف ویا معیوبیت عضو می گردد، بناءً به منظور جلوگیری از معیوبیت و از میان رفتن عضوی از اعضای بدن انسان، بایستی یک صد دره، بر اعضای مختلف بدن زانی فرود آید به استثنای روی، سر، سینه، بطن و اعضای تناسلی.

مکان اقامهٔ حد

به طور کلی تمام حدود و به ویژه حد زنا باید در ملأ عام مردم بر پا گردد تا هدف آن که پند وعبرت افراد جامعه است تحقق یابد. چنان که خداوند می فرماید: (ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین)

"وباید در عذاب آنان گروهی از مؤمنان حضور یابند"

حکم میت سنگسار کرده شده

تمام فقهای مسلمان می گویند: کسی که به اثر سنگسار می میرد، مانند سایر مرده ها، غسل داده شود، کفن کرده شود، برجنازه اش نماز گذارده شود و در مقبرهٔ مسلمانان دفن شود؛ زیرا که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حق ماعز فرمود: (اصنعوا به ما تصنعون بموتاکم) "هرچه به مرده های خویش می کنید، به او –ماعز– نیز بکنید"

آیا کسی که به اثر دره زدن بمیرد، خون بها دارد؟

کسی که حد بر وی واجب می گردد وبه موجب آن حاکم مسلمان ویا جلاد حاکم حد شرعی را بر وی تطبیق می نماید اگر در اثنای حد زدن، بمیرد، نه دیت دارد و نه کفاره.

مراجع:
۱–الفقه الإسلامی وأدلته.
۲–فقه السنه
۳–الفقه علی المذاهب الأربعه.
۴–موسوعه الإجتماع فی الفقه.

موضعگیری و اندیشه های برخی از رهبران در لویه جرگه ...

شما برآورده شد، شما ملاحظاتی نیز داشتید این ملاحظات چه بوده وآیا این ملاحظات قبل ویا بعد از تصویب قانون اساسی بوده است؟ گفت:

بلی! قبل از ختم مجلس وقبل از دعا متنی که در آن ۹ مورد اشاره شده بود واز سوی حدود دوصد نفر نماینده ها امضا شده بود توسط یکی از نماینده های ما به نام محمدگل یونسی از ولایت بلخ به رئیس محترم لویه جرگه تسلیم داده شد که کاپی آن هنوز در دسترس ما قرار دارد واین قبل از به پا خواستن نماینده ها بود.

او نیز در این باره که اگر ملاحظات شما پذیرفته نشود قانون اساسی مشروعیت نخواهد داشت وآیا این به معنی همکاری نکردن شما نخواهد بود؟ گفت:

نه! قطعاً چنین چیزی وجود ندارد، در ابتدا فکر ما چنین بوده واست که قانون اساسی براساس تفاهم وتوافق همگانی تصویب می شد وباید اعتماد اتباع یک کشور روی قانون به وجود آید، از طریق زور واز طریق رأی گیری های اکثریت واقلیت نمی شود این مسأله را حل کنیم، در بسیاری از کشورهای دنیا قوانین اساسی همین گونه ساخته شده ودر هیچ جای از دنیا دیده نمی شود که باشندگان آنجا از نظر قومی، زبانی ومذهبی در یک تساوی کامل باشد، آنها مشکل خود را از طریق تفاهم حل کردند وماهم این نظر را داریم که اگر چند نفر از اتباع افغانستان خواستی دارند باید مراعات گردد واین کلمه به این معنی نیست که ما ملاحظه داریم معنی دشمنی را افاده نمی کند بلکه ما مخالفت داریم به این معنی که اگر جناح ما در انتخابات بعدی قدرت را به دست گیرند، در اولین فرصت زمینهٔ این را مساعد خواهند ساخت که این نقایص در قانون اساسی از بین برود ودر رأس همه سیستم آیندهٔ افغانستان یک سیستم پارلمانی مقتدر خواهد بود.

عده یی از رهبران در طی دوسال گذشته خط فکری خود را فراموش کرده و در دولت آقای کرزی خلط شده اند وبه گونه یی باتمام ضعف ها، نارسایی ها واشتباهات دولت کرزی آن را پذیرفته اند. درمیان مردم جایگاه دیروز خود را تدارند

پرسش دیگری مطرح شد، چون شما از منتقدین آقای کرزی هستید و در این راستا کتاب هایی نیز نوشته اید اگر شما یک مقایسهٔ کلی بین حکومت آقای کرزی وحکومت مجاهدین کنید ارزیابی تان چطور است؟ او گفت:

حکومت مجاهدین از استقلالیت عمل برخوردار بود وآنها هم در عرصهٔ سیاست داخلی و هم در عرصهٔ سیاست خارجی استقلالیت بیشتر داشتند در حالی که اکنون تفاهمات بین المللی، روابطی که میان دولت کنونی وجامعهٔ جهانی وکشورهای قدرتمند جهان شکل گرفته آنها بحیث یک فکتور بسیار تعیین کننده در این سیاست گذاری ها عمل می کنند. نکتهٔ دوم در این باب این است که حکومت مجاهدین از نظر اقتصادی واز نظر سیاسی حمایت جامعهٔ جهانی را باخود نداشت، به همین دلیل نتوانست که پروژه های عمرانی خود را به پیش ببرد وبرای مردم کار ایجاد کند وفابریکه ها را فعال کند و مأمورین را به موقع معاش بدهد در حالی که حکومت کنونی از حمایت خوب جامعهٔ جهانی برخوردار است اما باکمال تأسف آن چنان که ایجاب می کند از این حمایت های سیاسی واقتصادی جامعهٔ جهانی استفادهٔ معقول ومناسب تا هنوز صورت نگرفته است.

سوال دیگری چنین ارایه شد، آیا فکر نمی کنید که جلب نشدن کمک ها وحمایت جامعهٔ جهانی در دوران مجاهدین بستگی به ضعف مدیریت خودمجاهدین داشت وهم چنان انتقاد عمده یی که برمجاهدین وارد است عبارت از جنگ های داخلی است که خیلی آشکار هم است؟

آقای منصور گفت:

دو مسأله را باید یاد آور شد، وقتی که شخصیت ها وکرکتر های دو دولت را باهم مقایسه کنیم قابل قیاس نیست. ما درحکومت مجاهدین جناب حضرت مجددی را در برداشتیم وزمانی هم استاد ربانی را، که در آن زمان آقای کرزی در نقش یک سکرتر دست دوم در اختیار آقای مجددی بود.

وبعد هم بحیث یک کارمند عادی وزارت خارجه بود. ما در آن زمان چهرهٔ بزرگی مثل احمدشاه مسعود را در رأس وزارت دفاع داشتیم واکنون مارشال فهمیم را وما در آن زمان عبدالعلی مزاری یکی از چهره های مبارز وکارکشته را در دولت بحیث شورای عالی قیادی داشتیم. درحالی که به تناسب آن استاد خلیلی یکی از افراد عادی آنها بودند، به همین منوال اگر قیاس شود از نظر کادری وتجربه وفهم میان افراد کنونی وآن افراد تفاوتی از زمین تا آسمان وجود دارد ولی گاهی مطبوعات بین المللی چیزی را که خودشان پسند نداشته باشند به گونه یی نشان می دهند که برای آن عیوب فراوانی را می نویسند.

اگر جناح ما در انتخابات بعدی قدرت را به دست گیرند، در اولین فرصت زمینهٔ این را مساعد خواهند ساخت که این نقایص در قانون اساسی از بین برود ودر رأس همه سیستم آیندهٔ افغانستان یک سیستم پارلمانی مقتدر خواهد بود.

آقای منصور در پاسخ به این سوال که مطبوعات داخلی در زمینهٔ جنگ های دلایلی ارایه می کنند، برعلاوهٔ مطبوعات، مردم هم شاهد آن اند وپاسخ شما برای جنگ های داخلی منحیث یک فکتور ارزندهٔ مجاهدین چیست؟ گفت:

دونکته را باید در نظر بگیریم اول این که آیا این جنگ ها صورت گرفته؟ بلی! در این جای شک نیست که درگیری های زیادی میان گروه های مختلف به خصوص در دوران مجاهدین صورت گرفته است اما مهم این است که این جنگ ها از کجا آبیاری واز کجا سازماندهی می شد، زمانی که پاکستان تمام اهداف خود را در افغانستان نقش بر آب دید ونتوانسته بود مهرهٔ دلخواه خود را در تخت کابل بر اریکهٔ قدرت بنشاند در صدد توطئه برآمد واین پاکستان بود که با استفاده از امکانات خود جنگ را آغاز کرد ولی بازهم این مسأله از تقصیر گروه های مجاهدین و مردم افغانستان نمی کاهد که در برابر تحریکات کشورهای خارجی، در برابر کشورهای خارجی در موارد فراوانی از خود احساس وطنی، استقلالیت وهمدردی وامنیت ملی ومنافع ملی این مقوله ها را فراموش می کنند وبه جان هم می افتند.

آقای منصور در بارهٔ این که مربوط کدام حزب فعال سیاسی می باشد گفت:

من از آغاز عضو جمعیت اسلامی افغانستان بودم وبعد از آمدن به کابل وسقوط ادارهٔ طالبان تشکل جدیدی به وجود آمده که بسیار به زودی اسم، رسم واهداف آن اعلان می شود. و مدیر مسؤول پیام مجاهد نیز می باشم.

وی ضمن این که در آخرین شمارهٔ پیام مجاهد مطلبی به چاپ رسیده که گویا رهبران جهادی حمایت مردمی خود را از دست داده اند ومردم به نسل های جوان تری به عنوان رهبران شان نگاه می کنند. آیا این به معنی این است که شما از رهبران پیشین تان قسماً فاصله گرفته اید؟ گفت:

فکر می کنم که این مسأله بسیار کلی تیست، عده یی از رهبران در طی دوسال گذشته خط فکری خود را فراموش کرده و در دولت آقای کرزی خلط شده اند وبه گونه یی باتمام ضعف ها، نارسایی ها واشتباهات دولت کرزی آن را پذیرفته اند. درمیان مردم جایگاه دیروز خود را ندارند اما رهبرانی دیگر وجود دارند که ما وشما شاهد آن بودیم که در کنار نماینده ها نشستند وحرف های مؤثری داشتند وموضع گیری های آنها درمیان مجاهدین ونماینده ها موج ایجاد می کرد وهمین موضع گیری های آنها بود که به قدر لازم توانست قانون اساسی را به طرف اصلاح وخوبی ببرد.

وی در پاسخ به آخرین سوال که در قانون اساسی جدید بعضی ارزشهای نوین مانند حقوق بشر ودموکراسی با ارزشهای اسلامی به نوعی تلفیق شده است هم بر تساوی حقوق زن ومرد وهم براصول اسلامی تأکید گردیده است آیا اینها با هم سازگاری دارند؟ گفت: ادیان ارزش ها را مطرح کرده است نه روش ها را، روش ها در طول زمان به مقتضیات شرایط می تواند متحول گردد اما ارزش ها همیشه می تواند شایسته باشد واحترام به انسان، احترام به آزادی وعقاید دیگران واحترام به مال وآبروی دیگران در ادیان همیشه اصل بوده است. این که چگونه می توان از آن حفاظت کرد واین حقوق را تأمین نمود، اینها در طول زمان متحول می شوند ودین همیشه این را پذیرفته، مفهوم اجتهاد در دین هم همین است که روش های جدید را برای تأمین حقوق انسانی جستجو کنیم وبه نحوی بتوانیم این حقوق را حفاظت کنیم.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال دوم شماره ۲۹ چهارشنبه ۲۴ جدی ۱۳۸۲ ۲۲ ذوالقعده ۱٤۲٤ — 14 January 2004

نادرستی شیوهٔ ثبت نام رأی دهی برای انتخابات ریاست جمهوری

به تازگی ها دولت به کمک سازمان ملل متحد آمادگی های لازم را درجهت راه اندازی انتخابات سراسری برای انتخاب رئیس جمهور در بهار سال آینده اتخاذ نموده است. این آمادگی ها با ایجاد مراکز ثبت نام رأی دهندگان در بعضی از شهرهای افغانستان آغاز شده است که در آن واجد ان شرایط برای رأی دهی در انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده مراجعه نموده ونامهای خود را ثبت می کنند.

این کار می تواند در جهت ایجاد سهولت ها برای رأی دهندگان گامی به جلو باشد زیرا باتوسل به چنین عمل کردی می توان آماری دقیق از رأی دهندگان را ارایه کرد ونشان داد که چه فیصدی از اتباع کشور در پروسهٔ رأی دهی اشتراک نموده اند.

این روش در بسیاری از کشورهای دنیا هنگام توسل به انتخابات ومراجعه به آرای عمومی معقول است وانجام آن در افغانستان نیز امری مهم است که می تواند مزایای بسیاری را برای مردم افغانستان داشته باشد.

مطابق به آماری که از سوی مراجع بین المللی در افغانستان انتشار یافته است. در افغانستان در حدود(۱۰) ملیون تن واجد شرایط رأی دهی در انتخابات عمومی سال آینده هستند که یقیناً هر قدر رقم رأی دهندگان به این رقم ارایه شده نزدیک باشد به همان اندازه موفقیت دولت واعتماد مردم را به اوضاع سیاسی مملکت نشان می دهد. طوری که مراجع مسؤول اعلان داشته اند چنین محلات ثبت نام رأی دهندگان در سراسر افغانستان تاسطح روستاها دایر خواهد شد ورأی دهندگان را ثبت نام خواهد کرد.

نکته یی مهم در این ارتباط این است که اگر قرار باشد با ثبت نام رأی دهندگان شمار واقعی از تعداد کل رأی دهندگان در ختم دورهٔ انتخابات داشته باشیم بایستی پروسهٔ ثبت نام رأی دهندگان را در سراسر کشور منطبق به معیارها واصولی به پیش ببریم که در آن اشتباهی رخ ندهد واز جعل وثبت یک تن در چند محل جلوگیری صورت بگیرد. در غیر آن امکان آن که شمار کل رأی دهندگان به این ترتیب غیر حقیقی باشد بسیار متصور است.

طوری که جریان ثبت نام رأی دهندگان در چند محل شهر کابل نشان داد مراجع مسؤول که به این منظور گماشته شده اند برای ثبت نام واجد ان شرایط کدام شرایط تفکیک کننده را در نظر ندارند. هرکسی از هرجایی به آنها مراجعه می کنند وآنها این مراجعان را در دفترهای مخصوص خود ثبت می کنند ودیده شده است که تعدادی حتی در یک محل بیشتر از یکبار ثبت نام نموده است.

ثبت کنندگان از مراجعانی که برای ثبت نام به محلات ثبت نام می آیند طالب هیچگونه سندی که معرف اهلیت وشخصیت آنها باشد نیستند واین امر می تواند در آینده موجبات سوء استفاده های زیادی را توسط افراد واشخاص به وجود بیاورد وحتی مشروعیت و وقت انتخابات آینده را زیر سوال می برد.

جان مساله این جاست که هرگاه در ثبت نام رأی دهندگان مسؤولان به رویت تذکره های تابعیت ویا هرگونه اسناد معتبر معرف رأی دهنده عمل کنند این کار می تواند از خلاف ورزی در ثبت نام واستفاده از چند کارت در چند حوزه توسط یک نفر جلوگیری کنند.

عده یی می پندارند که شاید رأی دهندگان در اثنای رأی دادن انگشت بزرگ دست شان توسط رنگ مخصوص نشانی شود، ولی از کجا معلوم که مواد مخصوصی برای پاک کردن این رنگ مخصوص پیدا شود وبدین ترتیب رأی دهنده به خاطر آرام در چند حوزهٔ انتخاباتی مراجعه وبرای شخص مورد نظر خود چند رأی استعمال کند که در این صورت صحت ودقت انتخابات وشمار رأی دهندگان جداً زیر سوال خواهد رفت.

باور بر این است که مراجع مسؤول ومخصوصاً سازمان ملل متحد که هزینهٔ پروسهٔ ثبت نام کنندگان انتخابات آینده برای احراز ریاست جمهوری را در افغانستان می پردازد متوجه این نقیصه باشند ونگذارند که بایک طرزالعمل ناسنجیده در آینده موجبات بروز تنش وبی اعتمادی مردم را بوجود بیاورند.

ثبت کنندگان از مراجعانی که برای ثبت نام به محلات ثبت نام می آیند طالب هیچگونه سندی که معرف اهلیت وشخصیت آنها باشد نیستند واین امر می تواند در آینده موجبات سوء استفاده های زیادی را توسط افراد واشخاص به وجود بیاورد

انتخابات پارلمانی آیندهٔ . . .

که تصمیم این شورا را نادیده گرفته وبه کاندیداهای سلب صلاحیت شده اجازه خواهد داد تا در انتخابات شرکت کنند. شورای نگهبان وطرفداران آن می خواهند برپارلمان آینده کنترول داشته وموقف واحد در مقابل فشار های بین المللی داشته باشند. به نظر تحلیلگران ردصلاحیت هشتاد تن از اعضای کنونی پارلمان و نامهٔ انتقاد آمیز ایشان عنوانی آیت الله خامنه یی از عملکردهای قوهٔ قضائیه ودیگر نهاد ها، مربوط بوده است.

آیت الله خامنه یی طی اعلامیه یی گفته است که در رابطه به بحران به وجود آمده مداخله نمی کند وباید برای حل این بحران تمام راه های قانونی آن طی گردد واگر حل مطلب از طرق قانونی آن میسر نگردید گپ اخیر را خواهد زد.

تحقیقات در مورد عضو سابق کابینهٔ بوش

وزارت خزانه داری آمریکا تحقیقاتی را در مورد اظهارات اخیر پل اونیل، وزیر سابق خزانه داری در دولت جرج بوش، آغاز کرده است.

آقای اونیل در یک مصاحبه با رسانه ها در آستانهٔ انتشار کتاب خود به نام "بهای وفاداری" رئیس جمهوری آمریکا را به تلاش برای یافتن بهانه یی برای حمله به عراق و سرنگونی رژیم سابق آن کشور متهم کرده و همچنین روش آقای بوش در ادارهٔ امور را مورد انتقاد شدید قرار داده است.

هدف از تحقیقات وزارت خزانه داری روشن کردن این موضوع است که ممکن است آقای اونیل در تلاش برای بی اعتبار کردن رئیس جمهور به طور غیر مجاز اسناد محرمانه دولتی را افشا کرده باشد.

در خلال یک مصاحبه تلویزیونی با پل اونیل، اسنادی نشان داده شد که روی آنها علامت محرمانه ثبت شده بود.در این برنامه، آقای اونیل گفت که جرج بوش از همان ابتدای ورود به کاخ سفید و حتی قبل از وقوع حملات



انتحاری یازدهم سپتامبر در آمریکا مصمم بود صدام حسین، رهبر سابق عراق را از کار برکنار کند و موضوع جنگ افزارهای کشتار جمعی در عراق تنها یک بهانه بوده است. وی گفت که هرگز مدرکی را حاکی از وجود چنین تسلیحاتی در عراق ملاحظه نکرده بود. در پاسخ به این اتهام، آقای بوش گفته است که وی نیز مانند دولت های قبلی ایالات متحده از تغییر رژیم در عراق حمایت می کرده است.به گفتهٔ خبرنگار بی بی سی در واشنگتن، پایتخت آمریکا، بعید است که اظهارات آقای اونیل توانسته باشد به موقعیت رئیس جمهوری آسیبی جدی برساند. تنها نتیجهٔ این مصاحبه ها این بوده که نشان دهد در میان اعضای ارشد حزب جمهوری خواه، که حزب آقای بوش است، کسانی نیز از سیاست های داخلی و خارجی وی حمایت نمی کنند. پل اونیل، که مقام وزارت خزانه داری و عضویت شورای امنیت ملی در دولت جرج بوش را برعهده داشت، سال گذشته به دلیل اختلاف نظر با وی ناگزیر از مقام خود کناره گرفت. انت

از نامه های آمده

زورگویی حادثه آفرینان در شهر پرازدحام کابل

به ادارهٔ محترم جریدهٔ مجاهد:

بعد از آرزوی موفقیت دست اندرکاران این جریده، چشمدیدهایی را می خواهم یاد آور شوم تا اگر مسؤولان نظرشان به این نوشته بیفتد ودر مورد آن توجه کنند.

هرکسی که ملبس بایونیفورم نظامی ودارای موترهای بانمبر پلیت دولتی وخصوصاً عسکری باشد توقع مردم در وقوع حوادث این است که ایشان با پادرمیانی به خاموش ساختن حادثه می شتابند در حالی که دیده می شود اکثر این ها خود حادثه آفرینند.

من خودم سه حادثه را شاهد بودم.

اولی در مقابل هوتل زنبق طلایی بود جوانی در کرولای آنتن دار که گمان می رفت در یکی از ارگان های(دفاع، داخله یا امنیت ملی) وظیفه داشته باشد ویا سکرتر وخدمتگار وزیری باشد موتر تونسی که از پهلویش عبور کرد نزدیک بود به سبب ازدحام زیاد عراده جات باهم تصادم کنند که فضل خدا شد وطالع دریور تونس بیچاره بلندی کرد وتصادم صورت نگرفت زمانی دیدم که این جوان از داخل کرولا باشتاب پرید ودریور تونس را چنان سیلی باران کرد پیشانی اش هم خون شد، اما آن هم از سیلی ومشت ولگد طرف مقابل بی بهره نماند.

روزی بعد از این حادثه، بازهم راننده یی، باموتر تونس در مقابل سفارت ترکیه باموتر سفید لوکسی که در جای پلیت آن صدارت عظمی نوشته شده بود تصادم خفیف نمود در حالی که درجهت خود هم حرکت نمی کرد ومقصر بود دفعتاً چند تن مسلح از داخل آن پریدند و به سوی موتر تونس رفته وبرجان یک تن از راکبان تونس مشت ولگد نثار کردند ویکنفردیگر آنان تلاشی موتر را شروع کرد وبارسیدن ترافیک در محل دست از سر آن بیچاره برداشتند.

همین طور درچوک مسجد سرورکائنات حصهٔ سوم خیرخانه پولیسی که شاید مربوط به حوزهٔ نزدیک آن جا باشد با دریور یک موتر ملی بس گفتگو کرد وندانستم که مقصر کی بود اما چند تن از اشخاصی که لباس پولیسی برتن داشتند دریور بیچاره ونگران آن را زیر مشت ولگد گرفتند و مردمی که به طرف نماز جمعه روان بودند جلو آن ها را گرفتند.

مشکل این جاست که قانون رعایت نمی شود وهرکس از زورگویی کار می گیرد هرگاه حادثه یی رخ می دهد ایجاب این را نمی کند که به جان هم بیفتند وحادثهٔ دیگری بیآفرینند باید منتظر بمانند تا مسؤولان موضوع را بررسی کنند ومجرم را به پنجهٔ قانون بسپارند.

گاهی هم دیده شده، هرگاه راننده یی خلاف ورزی نماید بجای این که قانون ترافیک بالایش تطبیق گردد، جریمه شود، تکت داده شود، محبوس گردد، برخلاف بامشت ولگد برموتر می کوبد.

ارسالی رهگذر